

030008

Terk

DIA

CADI

Reynolds, Gabriel Said; Mingana, Alphonse

A reflection on two Qur'ānic words (Iblīs and Jūdī), with attention to the theories of A. Mingana .--
2004 ISSN: 0003-0279 : Journal of the American Oriental Society, vol. 124 iv pp. 675-689, (2004)

۴۴۴-۴۴۵) و در جزء نخست واژهٔ خوارزمی j'öwky'd «جادوگری» نیز دیده می‌شود (پنتسینگ، 332). صورت باستانی این واژه -yātūka* بوده که جزء نخست آن در اوستا به صورت yātu- به هر دو معنی «ساجر» و «سحر» به کار رفته است (پارتولمه، 1283-1284). بی‌تردید، این واژه به گروهی از ارواح پلید اهریمنی نیز دلالت می‌کرده، زیرا در اوستا و متون پهلوی نام جادوان غالباً در کنار نام پریان، دیوان و دیگر موجودات اهریمنی آمده است (مثلاً: یسن ۹، بند ۱۸؛ هُرمزد یشت، بند ۶؛ گنجسنگ ابالیشر، انجامه، بند 5). در بندهش نیز جادوان گروهی از ارواح دیوی خوانده شده، و بر ضد ارواح ایزدی معرفی شده‌اند (فصل ۵، بند ۲، نیز چ بهار، ۵۶).

معادل واژهٔ «سحر» در فارسی میانهٔ زردشتی jādūgīh (مکنزی، همانجا؛ نیبرگ، همانجا: yātūkēh) و در فارسی میانهٔ مانوی jādūgī (دورکین مایستیرنست، 197) بوده است. همین واژه به صورت «جادویی» در زبان فارسی باقی مانده است.

معادل سنسکریت واژهٔ اوستایی yātu- همان yātu- است (مونیرویلیامز، 849؛ مک‌دائل، 224) و این نشان می‌دهد که واژهٔ yātu- اصل هندوایرانی داشته است. این واژه در سنسکریت به دو معنی «سحر» و «روح پلید، دیو» به کار رفته است (مونیرویلیامز، مک‌دائل، همانجا). این واژه را از ریشهٔ -yā- در معنی «هجوم بردن، حمله کردن» دانسته‌اند (همانجا)، در این صورت، باید معنی اصلی آن را «حمله» دانست. شایان ذکر است که معنی اصلی ریشهٔ -yā- «رفتن» بوده است (ویتنی، 131).

بسیاری از واژه‌هایی که در زبانهای اروپایی به معنی «جادو» یا «جادوگر» به کار رفته، از واژه‌های یونانی mageia (جادو)، یا mageutiké (tékhne) یا magiké (tékhne) به معنی «(فنی) جادوگری» مشتق شده‌اند که هر ۳ برگرفته از کلمهٔ Magoi (مغان) اند که در اصل نام قبیله‌ای از مادها بوده است. این نام بعداً برای روحانیان دین کهن ایرانی نیز به کار گرفته شد. مغان احتمالاً به دلیل برگذاری آیینهایی که در نظر یونانیان عجیب می‌نمود، جادوگر تصور می‌شدند (باک، 1495-1494).

واژهٔ یونانی Magoi صورت جمع واژهٔ Mágos (مغ) است (دخیل در لاتینی: magus در شمار جمع: magi) که برگرفته از maguš فارسی باستان است. واژهٔ یونانی Mágos در انجیل برای اشاره به خردمندانی به کار رفته است که از مشرق به دنبال ستارهٔ «آن مولود که پادشاه یهود است»، یعنی عیسی مسیح، به اورشلیم آمدند و از آنجا به بیت لحم رفتند تا او را پیرستند و هدایایی بدو پیشکش کنند (انجیل متی، ۲: ۱-۱۲). maguš در زبان فارسی باستان حالت نهادی مفرد از اسم مذکر magu- است (کنت، 201). این واژه را مشتقی از ریشهٔ هندواروپایی *magh- (توانا بودن، قوی بودن؛ کمک کردن، یاری کردن) دانسته‌اند

محمد(ص) (تهران، ۱۳۱۸ ش، ج سربی) منتشر کرده است.

جاد المولئی در تألیف این کتابها نیز همکاری داشته است:

۱. ایام العرب فی الجاهلیة (ریاض، ۱۹۴۲ م) و آن اثر تاریخی و ادبی مهمی است که وصف بیشتر جنگهای جاهلی و چند جنگ در صدر اسلام را دربر می‌گیرد.

۲. قصص العرب (قاهره، ۱۹۳۹ م). این اثر ۴ جلدی بر تعریف کلی داستان مبتنی است و تصویر روشنی از زندگی فکری، دینی و اخلاقی عربها را به دست می‌دهد.

۳. قصص القرآن (قاهره، ۱۹۳۷ م)، که مصطفی زمانی این کتاب را به فارسی ترجمه، و در ۱۳۴۶ ش در تهران منتشر نموده است.

۴. مذهب رحلة ابن بطوطة، در دو جلد (قاهره، ۱۹۳۴ م)، که جاد المولئی با همکاری احمد عوامری، این سفرنامهٔ گرانسنگ را برای سنین و سطوح مختلف تحصیلی، ساده و قابل فهم کرده است.

از دیگر آثار او ست: انشقاق القمر معجزة لسید البشر (زرکلی، همانجا)، و شرح المزمهر سیوطی (عواد، ۱۵۷۱).

مآخذ: زرکلی، اعلام؛ عواد، کورکس، الذخائر الشریفة، به کوشش جلیل عطیه، بیروت، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۳م؛ فهرس المكتبة الزهریة، قاهره، ۱۳۶۹ق/۱۹۵۰م؛ کحاله، عمروضا، معجم المؤلفین، بیروت، ۱۳۷۶ق/۱۹۷۵م.

هادی نظری‌منظم

جادو، یا سحر، مجموعهٔ باورها، اعمال، فنون و روشهایی که به کارگیری آنها برای کنترل یا دگرگون کردن شرایط فراطبیعی، طبیعی و محیط زیست، و رسیدن به مقاصد و اهداف نیک یا بد، مؤثر و سودمند پنداشته می‌شده است. در این امر، جادوگر یا از توان روحی و ارادهٔ شخصی خود و یا از برخی ابزارها، وسایل، اوراد، افسونها، طلسمات و تعویذات برای رام و مهار کردن نیروهای فراطبیعی بهره می‌گرفته تا طبع، منش و میل آنها را مطابق با خواستها و نیازها بگرداند و بر پدیده‌های طبیعی، اندیشه، احساس و فرجام انسان، نیز امور جاری زندگی او تأثیر بگذارد.

I. ریشه‌شناسی واژه

واژهٔ فارسی «جادو» به دو معنی «ساجر، جادوگر» و «سحر، جادوگری»، بازماندهٔ واژهٔ فارسی میانهٔ jādūg است که تنها معنی آن «جادوگر، ساجر» بوده است (مکنزی، 46). این واژهٔ فارسی میانه در گذشته‌ای دور به صورت jatuk به زبان ارمنی راه یافته است (هُرن، 92). واژهٔ فارسی میانهٔ jādūg در متون پازند به صورت jādū آمده، و تلفظ آن در فارسی میانهٔ مقدم yātūk بوده است (نیبرگ، II/226). این واژهٔ کهن ایرانی در زبان سُغدی به صورت yātūk (جادوگر، ساجر) — در سُغدی بودایی: y'twkh؛ در سُغدی مسیحی: y'twq — به کار رفته است (قریب،